

تربیت بدنی



از دیدگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

که هیچ چیز زندگی را بی نتیجه نمی گذارد .
باهمه پیچیدگی هائی که در زندگی و
روابط اجتماعی ما و دنیا و آخرت ما وجود
دارد ، بدلیل اینکه مکتب از طرف خالق و
مدیر جهان و منبع آشنا و مطلع هرچیز
جهان به ما صادر گشته است ، همه چیز در
این مکتب انسان ساز اسلام آمده است .

پس اسلام دین کاملی است و تمام
ابعاد وجودی انسان را زیر پوشش خود
دارد و اینطور نیست که کسی فکر کند این
مکتب برای آخرت است و کاری به دنیا
ندارد و یا اینکه برای زندگی دنیاست و
کاری به آخرت ندارد ، پس اداره تربیتی
اسلام هم برای تربیت روح برنامه دارد و
هم برای تربیت جسم و اسلام همه چیز به
اندازه خودش به آن توجه کرده است در

در رابطه با مسئولیتهای تربیت بدنی
و ورزش بحثی که فکر می کنم مناسب است که
دنبال شود مسئله بعد مادی و جسمی
تربیت در اسلام است که با توجه به این
مسئله ورزش و حرکاتی برای اصلاح جسم
باید در جامعه انجام شود می بایست در
کنار تعلیمات اسلامی در جامعه ارزیابی
گردد .

اسلام همانطوریکه از منابع میتوان
فهمید مکتبی است که مخصوص یک زاویه یا
چند زاویه از زندگی انسان نیست ، بلکه
مکتبی است که سراسر زندگی انسان را در
تمام ابعادش زیر نظر دارد و برنامه ای است

دنیا مکاتبی است که فقط به مادگیری توجه دارد و اصلاً "به روان کاری ندارد و یا مکاتبی نیز هستند که برعکس عمل میکنند و فقط به روح توجه دارند .

در اسلام جسم و روح توأم "پرورش خواهند یافت و باید باهمدیگر هماهنگی داشته باشند .

در هندوستان مرتاضها با کارهایی که انجام میدهند جسم خود را ضعیف کرده و روح را پرورش میدهند و برعکس در دنیای غرب جسم را قوی کرده و تمام زندگی را در جسم و لذات جسمانی می بینند .

در مکتب اسلام جسم و روح درهم تلفیق شده و فکر و روح سالم را در بدن و جسم سالم میتوان پیدا کرد و در ارزشگذاری در اسلام نه جسم فراموش میشود و نه روح .

در زمان بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی عده‌ای به پیغمبرشان پیشنهاد کردند که ما وضعیت بداست و برای ما رهبری انتخاب کنید که ما را به جنگ ببرد و فرمانده ما باشد ما جهاد کنیم حضرت موسی از خداوند خواست که به درخواست آنها جواب دهد . شخصی انتخاب شد و قوم بنی اسرائیل او را اطاعت کردند و پرسیدند ملاک انتخاب این شخص چه بود؟ پیغمبر جواب داد ، خداوند او را انتخاب کرده چون از لحاظ علمی و جسمی از شما قویتر است . (سوره بقره آیه‌های آخر) می بینیم که استدلال خداوند در اعتراض قوم

بنی اسرائیل ، صلاحیت فرمانده در قوی بودن جسم و روح است .

در روایات و زندگی ائمه و کلیات داریم که مشخصات ورزش تعیین شده است . از دیدگاه اسلامی هیچ قابل بحث نیست که کلاس و سرمایه‌گذاری برای سلامت جسم و پرورش جسمی و حفظ نیروهای بدنی میتواند جزء دین باشد و جزئی از عبادات ورزش میتواند جزو محاسبات زندگی انسان قرار گیرد تا انسان را در این رابطه هم در راه خدا قرار دهد .

می بینیم جسم و جان انسان در اسلام از هم جدا نیست این روح ارزش اینست که در این جسم باشد اینطور نیست که اولاً "خیال شود که جسم از روح جداست و باید آنها را جداگانه پرورش داد بلکه تکرار می‌کنم آنها باید باهم پرورش یابند و ایندو باید بهم نزدیک باشند .

نکته‌ای باید اینجا تذکر داده شود که انسان در بعضی جهات و ابعاد مانند حیوانات است معمولاً "در نیروهای جسمی شباهت بیشتری هست در این ابعاد اگر در مقام مقایسه قرار بگیریم ما هم حیوانانی هستیم به صورت دیگری ، اما اگر ما معیار و ارزش انسانی که عقل اوست به حساب نیاوریم باید بدانیم که آهو در دویدن از انسان سریع‌تر است یا مثلاً "ما خیلی خوب پیرش کنیم از بعضی از حیوانات بیشتر نمی‌توانیم پرش کنیم ، و یا مثال‌های فراوان



این کافی نیست زیرا ما بر این عقیده هستیم که ورزشکاران باید خوب درس بخوانند. باید از نظر اخلاقی الگو باشند و از لحاظ روحی هم باید سالم باشند و ما در مجموعه کشور و در مجموعه سیاستمان نمی‌توانیم سیاست ورزشی را از سیاست تربیتی و سیاست اقتصادی و..... جدا کنیم، در جامعه باید هم پسر - دختر آقا - خانم همه و همه ورزش کنند و جسم سالم برای همه لازم است ولی باید ورزش دور از آلودگی‌ها و دور از بی‌عفتی‌ها انجام شود. اما متأسفانه در دنیای کنونی از تربیت بدنی و ورزش برای اهداف حساب شده خود استفاده میکنند و بیشتر ورزشهایی که تدارک می‌بینند در سطح بین‌المللی برای سرگرم کردن و تشج

دیگر، پس در این صورت ما باید معیارها و ارزشها را در نظر بگیریم، انسان اگر جسم و جان سالم داشته باشد از این مجموعه می‌تواند به شکلی عمل نماید که از ملائک و از تمام موجودات برتر باشد (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) پس شما هوشیار باشید که ضدانقلاب یکوقت اگر گرفت اسلام ضدورزش است گول نخورید. زیرا برای بهبودی جامعه، ورزش یکی از ارکان است و فراهم نمودن وسائل ورزشی برای عموم لازم است و این ورزش است که استعداد واقعی انسان در بعضی اوقات در اثر آن بروز میکند و ما نباید راضی باشیم و هیچ‌گاه راضی نخواهیم شد که جوانانی که مایه‌های تربیتی در آنان قوی است ورزشکارانی عوام و بی‌اطلاع باشند و فقط خوب ورزش بکنند

اعصاب مردم است اسلام همین ورزش را بکارمیگیرد اما برای استفاده جسمی و تربیت جسمی جوانان و نوجوانان درعین حال مسئولان ورزش باید روح ورزش را نیز حفظ کنند و سوءاستفاده درآن نشود و ما باید از میادین ورزشی برای بالابردن شخصیت‌ها درجو کنونی برای تجلیل از شهدا به بهترین نحوه استفاده نمائیم و با تبلیغات و شعارهای مناسب اسلامی روحیه‌ها را بالا ببریم .

نتیجه‌گیری که می‌توانم از سخنانم بکنم این است که :

اولاً " اسلام دینی است که تمام ابعاد زندگی انسان را در نظر میگیرد و برای هر بعد آن اصل و قانونی وضع نموده است .

ثانیاً " بدن انسان یک بعدی نیست ترکیبی است از روح و روان و نیروهای مختلف معنوی و مادی که به هم چنان مرتبط است که اگر یکی از آنها را بکوبی در دیگری اثر می‌گذارد و باید هردو متناسب باهم تربیت شوند و هماهنگی هردو می‌تواند پایدار و مفید باشد .

ثالثاً " هرچیزی ارزش خود را باید داشته باشد ما ارزشهای مادی داریم ارزش - های جسمی داریم اما ارزش اساسی انسان انسانیت اوست و این است که ما را از حیوانیت جدا می‌گرداند .

ما جسم خود را وسیله‌ای قرار داده‌ایم برای حفظ این ارزش که تربیت روح و خلق

است و ما تاکید براین داریم که در سالم سازی جسم راه اصلی را گم نکنیم که همانا تربیت روح است و از ورزش برای کشتن و تضعیف اخلاق استفاده نشود .

ما باید پس از اینکه ورزشمان در تمام سطوح گسترش یافت آنوقت نمایندگان ورزشی متعهد و مومن به انقلاب را به کشور - های دیگر بفرستیم تا سفیران انقلاب و اسلام باشند در کشورهای دیگر . و مسائل دیگری که باید به آن اشاره کنم اینست که اسلام با هیچ ورزشی مخالفت ندارد و همانطوریکه گفتیم اسلام با بدن و فکر سالم هیچ مخالفتی ندارد بلکه آنها یکی از ارکان میدانند پس چرا مردم ورزش نکنند و خود را برای مبارزه با دشمنان آماده نکنند؟ در مورد شطرنج که بسیاری سؤال میکنند شطرنج بکلی حرام است و باید بگوئیم چونکه شطرنج فکر را معشوش و وقت را تلف میکند حرام است - بعضی‌ها میگویند که شطرنج ورزش فکری است و فکرا را باز میکند . چرا انسان برای باز شدن فکر کارهای دیگری مانند تعمیرات لوازم برقی و رادیو و انجام ندهد در اسلام تحرک وجود دارد . و بهر حال امیدوارم ورزش بتواند در خدمت اسلام و انقلاب قرار گیرد . انشاء الله